

مقدمه

شرلی هاردی جکسن^۱ در چهارده دسامبر ۱۹۱۶ در سان فرانسیسکو امریکا به دنیا آمد^۲ و در هشت اوت ۱۹۶۵ در چهل و هشت سالگی در نورث بنینگتون^۳ در ایالت ورمونت^۴ امریکا از دنیا رفت. در زمان حیات خود به شهرت و محبوبیت رسید و در حال حاضر نیز توجه فزاینده‌ای به آثار او می‌شود. نویسندگانی چون نیل گیمن^۵، استفن کینگ^۶، نایجل نیل^۷، و ریچارد متسون^۸ از او تأثیر پذیرفته‌اند.

شرلی جکسن بیشتر به خاطر داستان کوتاه مشهورش قرعه‌کشی^۹ شناخته شده است. وقتی این داستان کوتاه نامتعارف و تکان‌دهنده در ۱۹۴۸ منتشر شد، بین خوانندگان و منتقدان جنجال به پا کرد و واکنش‌های متفاوتی برانگیخت. در این داستان کوتاه که در فضای یک روستای امریکایی معاصر روی می‌دهد، اهالی روستا طبق سنت سالانه‌شان، به روشی مدرن و امروزی قرعه‌کشی می‌کنند تا یک نفر به شیوه‌ی بدوی سنگسار شود.

1. Shirley Hardie Jackson

۲ هر چند خود شرلی جکسن مدعی بود که در ۱۹۱۹ به دنیا آمده و گفته می‌شود او سه سال سن خود را کوچکتر نشان می‌داده تا از شوهر جدید جوان‌تر محسوب شود.

3. North Bennington

4. Vermont

5. Neil Gaiman

6. Stephen King

7. Nigel Kneale

8. Richard Matheson

9. The Lottery

همسر شرلی جکسن، استانلی ادگار هایمن^۱ که منتقد ادبی بود، در پیش‌گفتاری که برای گزیده‌ای از آثار شرلی جکسن پس از مرگش منتشر شد، چنین می‌نویسد: «او همیشه از مصاحبه خودداری می‌کرد و نمی‌خواست در مورد آثارش توضیح بدهد یا آن‌ها را تبلیغ کند یا در مجامع عمومی ظاهر شود. او معتقد بود زمان که بگذرد، خود کتاب‌هایش گویای همه چیز خواهند بود.» هایمن اصرار داشت که برخلاف آنچه برخی منتقدان ادعا می‌کنند، جنبه‌های تیره‌وتار آثار جکسن محصول او هام فردی و حتا روان‌نژندی نیست، بلکه کالبدشکافی هوشمندانه و درستی از زمانه‌ی ماست و نمادهایی مناسب از دنیای پریشان و پُر محنت ما از بمب و بازداشتگاه‌های آسرای جنگی و آینه‌ای است از ترس‌های بشری در دوران جنگ سرد. شرلی جکسن هنگامی که در دانشگاه سیراکیوز مشغول تحصیل بود، با مجله‌ی ادبی دانشگاه همکاری می‌کرد و از این طریق با همسرش استانلی ادگار هایمن آشنا شد. او در مورد خودش چنین نوشته است:

از نوشتن در مورد خودم یا کارهایم به‌شدت بیزارم و وقتی تحت فشار واقع می‌شوم تا اطلاعاتی در مورد زندگی‌ام بدهم، فقط به طرحی اجمالی اکتفا می‌کنم که طبیعتاً به حقایق و وقایع زندگی هیچ ربطی ندارند. سال ۱۹۱۹ در سان‌فرانسیسکو به دنیا آمدم و بیشتر جوانی‌ام را در کالیفرنیا گذراندم. سال ۱۹۴۰ با استانلی ادگار هایمن که منتقد و کارشناس است ازدواج کردم. ما در ورمونت زندگی می‌کنیم، در جامعه‌ای روستایی و آرام با چشم‌اندازی باصفا و دنج، که به طور آرامش‌بخشی از هیاهوی زندگی شهری به دور است. صادرات عمده‌ی ما کتاب و بچه است که از هر دو قلم به‌وفور تولید می‌کنیم. بچه‌ها عبارت‌اند از لارنس، جوان، سارا و بیری. کتاب‌هایم شامل سه رمان‌اند به نام‌های راهی از میان دیوار^۲، هنگزآمان^۳، لانه‌ی پرنده^۴ و مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه به نام قرعه‌کشی. کتاب زندگی در میان وحشیان^۵ خاطراتی است از بچه‌هایم.

1. Stanley Edgar Hyman
4. The Bird's Nest

2. The Road Through the Wall
5. Life Among the Savages

3. Hangsaman

س از ازدواج و اقامت کوتاهی در نیویورک و وستپورت در ایالت کانتیکات، شرلی جکسن و همسرش در نورث بنینگتون در ایالت ورمونت ساکن شدند. هایمن، استاد کالج بنینگتون شد و خودش به انتشار رمان و داستان کوتاه ادامه داد. رمان حکیمان (۱۹۵۱) و داستان کوتاه دختر گم‌شده (از کتاب فقط یک روز معمولی (۱۹۹۵)، که مجموعه‌ای است از داستان‌هایی که قبلاً گردآوری یا منتشر نشده بودند) هر دو حاوی عناصر مشخصی هستند مشابه با حادثه‌ی واقعی و اسرارآمیز یکم دسامبر ۱۹۴۶، که در آن یک دختر دانشجوی کالج بنینگتون به نام پائولا جین ولدن^۲ اهل استمفورد^۳ از ایالت کانتیکات ناپدید شد. این واقعه که راز آن تا به امروز ناگشوده مانده است، در مناطق جنگلی گلاستبری ماونتین^۴ نزدیک بنینگتون در جنوب ایالت ورمونت روی داد و در آن زمان جکسن و خانواده‌اش در آن جا زندگی می‌کردند. آن چنان که یادداشت‌های جکسن در کتابخانه‌ی کنگره نشان می‌دهد، کالچی را که جکسن در رمان هنگزآمان به تصویر داستانی کشیده است، تا حدودی براساس تجربیات او در کالج بنینگتون بوده.

خانواده‌ی هایمن مهمان‌نواز و خوش‌مشراب بودند و استعداد‌های ادبی به خانه‌شان رفت و آمد داشتند. شرلی و همسرش استانلی هر دو کتاب‌خوان بودند و کتابخانه‌ی شخصی آن‌ها بیش از صد هزار جلد کتاب داشت. در خانه‌ی قدیمی درگذشت و پُرسروصدای آن‌ها در نورث بنینگتون، شرلی جکسن با همسرش و چهار فرزند شلوغ و شیطان سر می‌کرد و به گفته‌ی خودش پنجاه درصد از وقت و عمرش صرف خانه‌داری و بچه‌داری و پخت‌وپز و نظافت می‌شد و تجربیات تلخ و شیرین او از این مسئولیت‌ها در دو کتاب زندگی در میان وحشیان و پرورش شیاطین^۵ نمایان است. شرلی جکسن در داستان‌واره‌ای به نام آن شب که همه سر ما خورده بودیم در مجموعه داستان همراه من بیا^۶ که پس از مرگش منتشر شد، می‌نویسد: «خانه‌ی ما

1. Just an Ordinary Day

2. Paula Jean Welden

3. Stamford

4. Glastenbury Mountain

6. Come Along With Me

5. Raising Demons؛ پرورش شیاطین، شرلی جکسن در نام داستان ایهام به کار برده است.